

نوح، دانیال، و ایوب. الگوهای زیستن حیاتی پیروزمند در خط حیات برای به انجام رساندن اقتصاد خدا

پیام اول

زیستن و کار کردن مطابق بینش عصر برای تغییر عصر

مطالعه متون مقدس: حزقیال 14:14، 20؛ پیدایش 8:6؛ متی 37:24-39؛ دانیال 35-34:2؛ ایوب 6-5:42؛

ا. نوح، دانیال، و ایوب الگوهایی هستند که نشان می‌دهند ما چگونه می‌توانیم حیاتی پیروزمند را در خط حیات برای به انجام رساندن اقتصاد خدا، زندگی کنیم؛ این همان زیستن و کار کردن مطابق بینش عصر برای تغییر عصر است. حزقیال 14:14، 20؛ پیدایش 9:2؛ مکاشفه 7:2؛ 2-1:22؛ متی 39-37:24، 45-51؛ دانیال 35-34:2؛ اعمال 19:26؛ دوم تیموتائوس 8:4.

ا. زندگی نوح، دانیال، و ایوب، خدای سه‌یکتا را در توزیع کردن خود درون مردمان انتخاب شده‌اش، برای به انجام رساندن اقتصادش نشان می‌دهد.

آ. با نوح، ما خدای پدر را در خواستار و نقشه‌اش برای بنای او و در امانت جاودان او، در نگه داشتن عهدش یعنی کلام او می‌بینیم — پیدایش 17-12:9؛ اول قرن‌تیان 9:1؛ اول یوحنا 9:1؛ مکاشفه 3:4؛ 20-19:21.

ب. با دانیال، ما مسیح پسر را به عنوان مرکزیت و عالمی بودن حرکت خدا و بازگشت او (دومین آمدن عیسی) را به عنوان پسر انسان می‌بینیم — دانیال 14-13:7؛ 9-4:10.

پ. با ایوب، ما خدای روح را در کار دگرگون ساختن، برای انجام دادن آنچه در قلب خدا پنهان است، اینکه ما خدا را برای ابراز جمعی خدا کسب کنیم تا در حیات، در ذات، و در شکل، ولی نه در هستی خدا، خدا شویم — ایوب 13:10، 6-5:42، افسسیان 9:3؛ دوم قرن‌تیان 18:3.

ا. «اما نوح در نظر خداوند فیض یافت.» پیدایش 8:6 :

آ. زندگی و کار نوح نشان می‌دهد که فیض چقدر می‌تواند برای مردم سقوط کرده عمل کند؛ فیض همان مسیح شگفت‌انگیز به عنوان حامل بار مسئولیت ماست، که برای ما و درون ما همه چیز را برای لذت بردن و بهره‌مند شدن ما، انجام می‌دهد — آ. 14-1؛ متی 39-37:24؛ دوم قرن‌تیان 9-7:12 :

1. جسم حضور شیطان است و فیض حضور خداست؛ ما برای مواجه شدن با حضور شیطان، نیازمند حضور خدا هستیم — پیدایش 3:6، 8؛ رومیان 21-17:7؛ عبرانیان 16:4؛ اول قرن‌تیان 10:15.

2. برآیند فیض صداقت و درستی (عدالت) است؛ توسط قدرت فیض، نیروی فیض، و حیات فیض، ما می‌توانیم با خدا، با یکدیگر، و حتی با خودمان درست باشیم — رومیان 17:5، 21؛ دوم پطرس 5:2.

ب. نوح با خدا راه می‌رفت و برای انجام دادن اقتصاد الهی، آن کشتی را ساخت— پیدایش 8:6-22؛ عبرانیان 7:11؛ اول پطرس 20:3-21؛ متی 18:16 :

1. اولین بنای خدا در متون مقدس کشتی نوح است (واژه عبری برای لغت کشتی، به معنای صندوق است)، که حاکی از مسیح به عنوان بنای خدا و انسان است؛ بنای خدا همان خدا— انسان است— یوحنا 14:1؛ 19:2؛ اول قرننتیان 9:3، 16-17؛ مکاشفه 2:21، 22؛ افسسیان 22:2؛ مزامیر 4:27.

2. ساختن آن کشتی نماد ساختن مسیح جمعی است، یعنی کلیسا به عنوان بدن مسیح، با عنصر غنای مسیح به عنوان مصالح ساختمانی— متی 18:16؛ اول قرننتیان 9:3-12؛ افسسیان 10-12:4.

3. سه طبقه آن کشتی دلالت بر خدای سه‌یکتا بر طبق تجربه ما از او دارد؛ روح مقدس توسط طبقه پایین نشان داده شده است، که ما را به پسر می‌آورد (اول پطرس 2:1؛ یوحنا 8:16، 13-15)، و پسر ما را در تجربه‌مان بالاتر به پدر می‌آورد (6:14؛ افسسیان 18:2؛ اول یوحنا 5:1، 8:4).

4. در طبقه سوم آن کشتی فقط یک پنجره به سوی آسمان وجود داشت، که دلالت بر این دارد که در کلیسا، یعنی بنای خدا فقط یک مکاشفه و یک بینش از طریق یک خدمتگزاری عهد جدید وجود دارد— پیدایش 16:6؛ اعمال 19:26؛ امثال 18:29؛ اول تیموتائوس 3:1-4؛ دوم قرننتیان 6:3-9؛ 1:4.

IV. «اما دانیال در دل خود قصد نمود که خویشتن را از طعام پادشاه و از شرابی که او می‌نوشید، نجس نسازد.» دانیال 8:1 :

آ. تمام کسانی که توسط خدا برای تغییر عصر استفاده می‌شوند، نذیره‌های امروزه هستند (یعنی کسانی که به طور خاص به خدا وقف شده باشند)؛ آنانی که در شکوه و جلال وقف شدنشان، خود را با رغبت به خداوند تقدیم می‌کنند— اعداد 8-1:6؛ مزامیر 3:110؛ ر.ک. داوران 13-18:7.

ب. دانیال به ما خصوصیات مردمی که عصر را تغییر می‌دهند، نشان می‌دهد:

1. دانیال از عصری که پیرو شیطان بود، جدا بود— دانیال 8:1؛ 26:4؛ 23:5؛ فیلیپیان 13-14:3؛ مکاشفه 13:2.

2. دانیال از طریق کلام خدا، به خواسته خدا پیوسته بود— دانیال 4-2:9؛ دوم تیموتائوس 17-14:3؛ 15-13:1؛ ر.ک. نحیا 8:8، 13؛ تثنیه 18-17:20.

3. دانیال از طریق دعا با خدا همکاری کرد— دانیال 10:6؛ 17:9؛ 1-10:21.

4. دانیال یک شخص از خود گذشته و فداکار با یک روح شهادت (شهید شدن در راه خدا) بود— 8:1؛ 10:6.

۷. «آنگاه خداوند... به ایوب جواب داد» (ایوب 1:38-آ)؛ «ایوب به خداوند چنین جواب داد» (1:42-آ)؛ «خداوند باز ایوب را کامیاب ساخت» (آ. 10-آ):

آ. منطق دوستان ایوب در افکارشان مطابق خط درخت دانش نیک و بد بود، و اینکه رنج‌های ایوب موردی از داوری خدا بود؛ اما رنج‌های ایوب تهی کردن و کاستن او توسط خدا بود، تا خدا بتواند ایوب را به دست آورد و اینکه ایوب بتواند خدا را بیشتر به دست آورد — 9:15؛ 11:12؛ 13:4؛ فلیپیان 3:8، 13-12 :

1. قصد خدا با ایوب این بود که ایوب طبیعی (نفسانی) را در کمال و درستی او در هم بشکند، تا خدا بتواند یک ایوب تازه شده در ذات و خواص خدا بنا سازد — ایوب 1:1؛ تیتوس 3:5.

2. قصد خدا این بود که ایوب را وارد جویندگی عمیق‌تری به دنبال خدا کند، تا ایوب بتواند پی ببرد که آنچه او در زندگی انسانی خود کم داشت، خودِ خدا بود، و اینکه او بتواند خدا را دنبال کند، خدا را به دست آورد و خدا را ابراز کند — کولسیان 2:19.

3. قصد خدا این بود که ایوب را در خط درخت حیات داشته باشد و ایوب را یک مرد خدا سازد — پیدایش 2:9؛ اول تیموتائوس 6:11؛ دوم تیموتائوس 3:17؛ افسسیان 3:14-21 :

ب. ایوب نشان می‌دهد که کتاب مقدس با شصت و شش کتاب، فقط برای یک چیز است: برای اینکه خدا در مسیح توسط روح، خود را درون ما توزیع کند تا حیات، ذات و همه چیزمان شود، تا ما مسیح را زندگی کرده و مسیح را ابراز کنیم؛ این اصل باید در زندگی ما حاکم باشد — ایوب 10:13؛ افسسیان 3:9؛ فلیپیان 3:8-9؛ افسسیان 1:22-23؛ 2:15؛ مکاشفه 21:2.

پ. راه زیستن و کار کردن در این اصل، بودن و همه کار را انجام دادن توسط روح مقدس، با روح مقدس، در روح مقدس، و از طریق روح مقدس است، که توسط بکار گرفتن و تمرین روحمان است — غلاطیان 5:25؛ رومیان 8:4؛ فلیپیان 3:3؛ مکاشفه 2:7؛ 22:17-آ.

نوح، دانیال، و ایوب. الگوهای زیستن حیاتی پیروزمند در خط حیات برای به انجام رساندن اقتصاد خدا

پیام دوم

نوح- زندگی و کاری که می‌تواند عصر را تغییر دهد

مطالعه متون مقدس: پیدایش 5:6-22؛ 7:13، 16؛ عبرانیان 11:7

ا. زندگی نوح یک زندگی بود که عصر را تغییر داد. فیلیپیان 1:19-21:

آ. خدا وضعیت واقعی عصر فاسدی که نوح در آن زندگی می‌کرد را به او نشان داد— پیدایش 3:6، 5، 11، 13؛ متی 24:37-39؛ دوم تیموتائوس 3:1-3.

ب. «اما نوح در نظر خداوند التفات [فیض] یافت»— پیدایش 8:6.

1. زمانی که شیطان تمام تلاش خود را کرده تا به موقعیت آسیب برساند، همیشه عده‌ای بوده‌اند که در نظر خدا فیض یافتند تا کسانی شوند که عصر را تغییر دهند— ر.ک. دانیال 8:1؛ 9:23؛ 10:11، 19.

2. هدف اصلی کتاب پیدایش نشان دادن سقوط انسان نیست، بلکه این است که نشان دهد فیض خدا چقدر می‌تواند برای مردم سقوط کرده کار انجام دهد؛ فیض خود خداست، □ضور خداست، که توسط ما مسرت برده شده تا برای ما همه چیز باشد و در ما، از طریق ما، برای ما همه کار انجام دهد؛ فیض خدا است که به ما می‌آید تا تأمین □یات ما، تقویت ما، و همه چیز ما باشد— یو□نا 1:14، 16-17؛ مکاشفه 22:21.

(آ) لذت بردن از خداوند به عنوان فیض با کسانی است که عاشق او هستند— افسسیان 6:24؛ یو□نا 15:21-17.

(ب) فیض خداوند عیسی مسیح به عنوان تأمین فراوان خدای سه‌یکتا، از طریق بکار گرفتن روح انسانی ما لذت برده می‌شود— عبرانیان 10:29؛ ب؛ غلاطیان 6:18؛ فیلیپیان 4:23؛ فیلمون 25؛ دوم تیموتائوس 4:22.

(پ) کلام خدا کلام فیض است— اعمال 20:32؛ کولسیان 3:16؛ ر.ک. ارمیا 15:16.

(ت) ما خدای سه‌یکتای پروسه دیده را به عنوان فیض □یات در جلسات با مقدسین بر اساس یگانگی، تجربه می‌کنیم— مزامیر 133:3؛ اول پطرس 3:7؛ اعمال 4:33؛ 11:23.

(ث) ما می‌توانیم خداوند را به عنوان افزایش فیض کاملاً کافی در میان رنج‌ها و آزمون‌ها تجربه کنیم— دوم قرن‌تیا 12:9.

(ج) ما باید برای خداوند در قدرت فیض او کار کنیم— اول قرن‌تیا 15:10، 58؛ 3:12.

(چ) ما باید کارگزاران خوبی برای فیض گوناگون خدا باشیم -
— اول پطرس ۴:۱۰؛ افسسیان ۳:۲؛ دوم قرنتیان ۱:۱۵؛
افسسیان ۴:۲۹.

(ح) توسط قدرت فیض، نیروی فیض، و □یات فیض، ما می‌توانیم
با خدا و با یکدیگر درست باشیم؛ محصول فیض درستی
(صداقت، عدالت) است— عبرانیان ۱۱:۷؛ رومیان ۵:۱۷،
۲۱.

پ. نوح مانند پدر پدربزرگش خنوخ (پیدایش ۵:۲۲-۲۴) با خدا
توسط ایمان راه می‌رفت (۶:۹؛ عبرانیان ۱۱:۷)، ایمانی که
عنصر الهی خدا بود، که برای توانایی ایمان داشتن او، در
او تزریق شده و نفوذ یافت (رومیان ۳:۲۲)؛ در نتیجه او
به عنوان یک اعتراض بر ضد نسل شیر، وارث و واعظ عدالت
شد (دوم پطرس ۲:۵)؛ عدالت نوح ایستادگی خدا را در اجرای
داوری اش بر آن نسل بی‌خدا تقویت کرد.

ت. کشتی که نوح ساخت نماد مسیح عملی و □اضر، به عنوان نجات
خدا است، و ساختن کشتی نماد ساختن مسیح عملی و □اضر، به
عنوان نجات خدا در تجربه ما برای بنا ساختن بدن مسیح به
عنوان مسیح جمعی است؛ مطابق کتاب فیلیپیان این به عمل
آوردن نجاتمان است— ۱۲:۲-۱۳.

1. ساختن کشتی به معنای به عمل آوردن نجاتمان است، که
ساختن مسیح در تجربه ما برای ساختن بدن مسیح است، یعنی
همان مسیح جمعی.

2. آنچه نوح بر روی آن کار کرد و وارد آن شد، نجات خدا
یعنی آن کشتی بود؛ ما باید مسیح عملی و □اضر را داشته
باشیم تا بتوانیم به عنوان نجات خدا در او وارد شویم.

3. نجات در فیلیپیان ۲:۱۲ نجات ابدی از محکومیت و از
دریاچه آتش نیست، بلکه نجات روزمره و مداوم است که
همان مسیح به عنوان یک شخص زنده است؛ گرچه ما نجات
ابدی را داریم، اما به یک نجات فراتر، از آن نسل کچرو
و منحرف نیاز داریم— آ. ۱۵.

4. امروز ما در مسیر نجات خدا هستیم؛ ما وارد این مسیر
شدیم و عبور ما از این مسیر به عمل آوردن نجاتمان است:
(آ) نوح هرچه بیشتر آن کشتی را ساخت، بیشتر از نجات خدا
عبور کرد و سرانجام، او وارد آنچه به عمل آورده بود
شد— پیدایش ۷:۷.

(ب) آن مسیحی که ما امروز در تجربه‌مان می‌سازیم تبدیل به
نجات بیشتر ما خواهد شد؛ روزی تحت □اکمیت و اختیار
مطلق خدا ما وارد خود مسیح، یعنی همان کسی که ساخته
ایم، خواهیم شد.

(پ) □تی امروز، اگر ما مسیح را در تجربه‌مان بسازیم،
توانا خواهیم بود که در مسیح بمانیم، یعنی در مسیح
مسکن گزینیم— یو□نا ۱۵:۵.

- (1) ساختن مسیح در تجربه ما همان عشق ورزیدن به خداوند، با او گفتگو کردن توسط صدا زدن نام او، و مشارکت داشتن با او، زیستن توسط او، و روز به روز و ساعت به ساعت با او (خداوند) گام برداشتن است، یعنی «همگام» با خدا باشیم، تا بتوانیم همکار خدا شویم— پیدایش 22:5-24؛ ۹:۶.
- (2) سپس ما مسیح را در تجربه‌مان می‌سازیم تا بتوانیم در او به عنوان نجاتمان وارد شویم.
5. هر چهار فصل کتاب فیلیپیان به شخص شامل تمام و زنده مسیح به عنوان نجات ما اشاره دارد.
- (آ) در فیلیپیان ۱ نجات، همان زندگی کردن مسیح و جلال دادن مسیح در هر شرایطی است.
- (ب) در فیلیپیان ۲ نجات، انعکاس مسیح توسط نگه داشتن کلام یات است.
- (پ) در فیلیپیان ۳ نجات، درستی و عدالت خداست، که همان تجسم یافتن خدا در مسیح است.
- (ت) در فیلیپیان ۴ نجات، خود مسیح به عنوان یات است؛ یاتی که واقعی، بلندمرتبه، درست و عادل، خالص، دوست داشتنی، معتبر، و پر از سن و ستایش می‌باشد.

II. کار نوح کاری بود که عصر را تغییر داد. دوم قرن‌تین ۱:۶؛ متی ۱۸:۱۶؛ اول قرن‌تین ۱۲:۳ :

- آ. خدا به نوح یک مکاشفه شامل تمام، مکاشفه‌ای فراتر، یعنی مکاشفه برای ساختن کشتی را داد، که این راهی بود تا خدا بتواند نسل فاسد را نابود کند و عصر جدید را بیاورد؛ نوح آن کشتی را نه مطابق تصورات خود، بلکه مطلقاً مطابق با مکاشفه خدا و دستورالعمل الهی با ایمان ساخت— پیدایش ۶:۱۵؛ عبرانیان 5:11-7؛ ر.ک. خروج ۹:۲۵؛ اول تواریخ 11:28-19؛ اول قرن‌تین 10:3-12؛ افسسیان ۲:۲۰؛ آ :
1. کشتی نماد مسیح است (اول پطرس ۳: ۲۰-۲۱) - نه تنها مسیح انفرادی بلکه مسیح جمعی، یعنی کلیسا که بدن مسیح است و آن انسان نو که در اورشلیم نو به کمال می‌رسد— متی ۱۸:۱۶؛ اول پطرس ۳: ۲۰-۲۱؛ اول قرن‌تین ۱۲:۱۲؛ افسسیان 15:2-16؛ کولسیان 10:3-11؛ مکاشفه ۲:۲۱.
2. ساختن آن کشتی نماد ساختن مسیح جمعی با عنصر ثروت‌های مسیح به عنوان مصالح ساختمانی، توسط کسانی که با خدا کار می‌کنند، است— اول قرن‌تین 9:3-12؛ افسسیان ۴:۱۲؛ 22:2.
3. این ساختن به کار بردن و آوردن مسیح درون مردم برای بنا ساختن آنها توسط مسیح با یکدیگر است، تا آنها بتوانند ظهور خدا در جسم شوند— اول تیموتائوس 3:15-16؛ اول قرن‌تین ۳:۹؛ ۱۰، ۱۲؛ رومیان ۱۱:۳۶.

ب. با ساختن کشتی و وارد شدن در آن، نوح نه تنها از داوری خدا و نسل شریر توسط سیل نجات یافت، بلکه از آن نسل نیز جدا شد و عصر جدیدی را آغاز کرد— پیدایش 5:6-22.

پ. به همین ترتیب، با بنا ساختن کلیسا و ورود به زندگی کلیسایی، ما از داوری خدا توسط مصیبت عظیم بر نسل شریر امروز، نجات خواهیم یافت و از آن نسل جدا خواهیم شد تا به یک عصر جدید، عصر هزاره (پادشاهی هزار ساله) وارد شویم— عبرانیان ۷:۱۱؛ متی ۲۴:۳۷-۳۹؛ لوقا 17:26-27؛ 21:۳۶؛ مکاشفه 3:۱۰.

ت. طول کشتی سیصد ذراع، عرض آن پنجاه ذراع، و ارتفاع آن سی ذراع بود (6:۱۵)؛ اعداد اساسی در ساختمان خدا سه و پنج هستند (ر.ک. خروج ۲۷)، که نشانگر درهم آمیخته شدن خدای سه یکتا با انسان از طریق توزیع الهی او است (دوم قرن تیان 13:۱۴؛ افسسیان 4:4-6).

ث. کشتی سه طبقه بود: طبقه پایین، دوم، و سوم— پیدایش 6:۱۶:

1. سه قسمت مسکن خدا نشان دهنده عمقی است که همه ما باید وارد آن شویم؛ سه طبقه کشتی نشانگر ارتفاعی است که همه ما باید به آن برسیم.

2. سه طبقه کشتی دلالت بر خدای سه یکتا دارد؛ روح، ما را به پسر می آورد، و پسر ما را به پدر می آورد؛ وقتی به پدر بیاییم در طبقه سوم هستیم— لوقا 4:15-7، 8-10؛ 18-

23؛ افسسیان 2:۱۸.

3. ما باید وارد عمیق ترین و بالاترین صمیمیت با خدای سه یکتا شویم که او بتواند ما را به «طبقه سوم» آورد تا اسرار، رمزها و گنج های پنهان خود را به ما نشان دهد— اول قرن تیان 2:۹؛ دوم قرن تیان 2:۱۰؛ خروج 33:۱۱.

ج. در آن کشتی یک روزنه به سوی آسمان برای نور وجود داشت— پیدایش 6:16:

1. کلمه عبری برای روزنه همان ریشه کلمه ظهر را دارد؛ این یعنی وقتی زیر آن روزنه هستید، شما در زمان ظهر و پر از نور هستید— ر.ک. امثال 4:۱۸.

2. همانطور که در کشتی فقط یک روزنه یا یک پنجره وجود داشت، در بنای خدا نیز فقط یک پنجره، یک مکاشفه و یک بینش از طریق یک خدمتگزاری وجود دارد— اعمال 26:۱۹؛ غلاطیان 1:6-9؛ اول تیموتائوس 1:3-4؛ ر.ک. دوم پادشاهان 2:۲، 9، 13-۱۵.

چ. تنها یک درب، یک ورودی، در کشتی وجود دارد؛ این یک درب مسیح است— پیدایش 7:۱۳، 16؛ یوحنا 10:۹:

1. ورود نوح به کشتی نماد ورود ما به مسیح است— یوحنا 3:۱۶؛ غلاطیان 3:27.

2. هنگامی که ما به خداوند عیسی [در او] ایمان آوریم، ما توسط خداوند «بَس» می‌شویم و هیچ راهی برای بیرون آمدن از او نداریم — ر.ک. یوحنا 28:10-29؛ مزامیر 139:7-12.
- ح. کشتی از چوب گوفر ساخته شده بود، نوعی سرو با چوب صمغی که می‌تواند در برابر قلمه آب ایستادگی کند؛ این یک شکل از مسیح مصلوب است، که می‌تواند در برابر آب‌های مرگ ایستادگی کند — پیدایش 14:6؛ اعمال 2:24.
- خ. کشتی از داخل و خارج با قیر پوشانیده شده بود، که نمادی از بازخرید خون مسیح است، و بنای خدا را از داخل و خارج می‌پوشاند — پیدایش 6:14؛ عبرانیان 9:14؛ خروج 12:13:
1. کلمه عبری برای قیر همان ریشه کلمه کفاره را دارد، که به معنی «پوشش» است؛ نوح و خانواده‌اش توسط قیر مالیدن به کشتی از داوری سیل نجات یافتند، و این نشان می‌دهد که ایمانداران در مسیح توسط بازخرید شدن با خون مسیح از داوری خدا نجات پیدا می‌کنند — رومیان 5:9.
 2. هر وقت ما به خون نگاه می‌کنیم، صلح و آرامش داریم؛ هر وقت خدا به خون نگاه می‌کند، راضی است؛ هر وقت شیطان به خون نگاه می‌کند، قادر به قلمه نیست؛ هر وقت فرشتگان به خون نگاه می‌کنند، شادی می‌کنند — مکاشفه 12:11.
- د. آبی که نوح از آن عبور کرد تصویری از آب تعمید است — اول پطرس 3:20-21.
1. قیر بر روی آن کشتی، نماد خون مسیح است، که نوح را از داوری سیل نجات داد، در قلمه آب سیل، نماد آب تعمید است، که نه تنها دنیا را داوری کرد بلکه نوح را نیز از عصر شریر جدا کرد — خروج 14:26-30؛ اعمال 2:40-41.
 2. آب سیل، نوح را از روش کهنه زندگی آزاد کرد و به محیط جدید انتقال داد؛ به همین شکل، آب تعمید ما را از روش پوچ زندگی که به ارث برده‌ایم آزاد کرده و به روش زندگی در رستخیز در مسیح می‌آورد — رومیان 3:6-5.

نوح، دانیال، و ایوب. الگوهای زیستن حیاتی پیروزمند در خط حیات برای به انجام رساندن اقتصاد خدا

پیام سوم

مشاهده کردن پیروزی پیروزمندان (غالبان)، با دانیال و همراهانش

مطالعه متون مقدس: دانیال ۱-۶

ا. «و حکیمان مثل روشنایی افلاک خواهند درخشید و آنانی که بسیاری را به راه عدالت رهبری می‌نمایند مانند ستارگان خواهند بود تا ابدالابد» - دانیال ۱۲:۳؛ ر.ک. فصل 1-6:

آ. همه در کلیساهای محلی باید یک ستاره درخشان باشند، که تکثیری از مسیح آسمانی به عنوان ستاره زنده است (اعداد ۲۴:۱۷؛ مکاشفه ۲۲:۱۶؛ ر.ک. متی ۲:۲)؛ ستاره‌ها کسانی هستند که در تاریکی می‌درخشند و مردم را از راه نادرست به راه درست برمی‌گردانند (مکاشفه ۱:۲۰).

ب. پیروزمندان به عنوان ستارگان درخشان، فرشته‌های کلیساها هستند (پیام آور)، کسانی که با مسیح به عنوان فرشته خدا یکی هستند و دارای مسیح فعلی (زمان حال) به عنوان پیام زنده و تازه ارسال شده، توسط خدا به مردم خود، هستند - آ. 20-1:2؛ ملاکی ۱:۳.

پ. برای تبدیل شدن به یک ستاره پیروزمند دو راه وجود دارد - اول، توسط کتاب مقدس، و دوم، توسط روح هفت برابر شد یافته:

1. «و کلام انبیاء را نیز محکم تر داریم که نیکو می‌کنید اگر در آن اهتمام [توجه] کنید، مثل چراغی درخشان در مکان تاریک تا روز بشکافد و ستاره صبح در دلهای شما طلوع کند» - دوم پطرس 1:19:

(آ) پطرس کلام انبیاء در متون مقدس را به چراغی که در مکانی تاریک می‌درخشد تشبیه کرد؛ این نشان می‌دهد که (۱) این عصر مکانی تاریک در شب تاریک است (رومیان ۱۲:۱۳)، و همه مردم این دنیا در تاریکی حرکت و عمل می‌کنند (ر.ک. اول یوحنا ۵:۱۹)؛ و (۲) کلام انبیاء در متون مقدس به عنوان چراغی درخشان، نوری روحانی را به ایمانداران می‌رساند که در تاریکی آنها می‌درخشد (نه صرفاً دانش در حروف برای فهم ذهنی آنها)، و آنها را راهنمایی می‌کند تا وارد یک روز درخشان بشوند و حتی از تاریکی شب گذر کنند، تا روز ظهور خداوند طلوع کند.

(ب) قبل از طلوع ظهور روز خداوند، ستاره صبح در قلب ایمانداران طلوع می‌کند، یعنی آنانی که با توجه کردن به کلام درخشان انبیاء در متون مقدس، روشن و منور می‌شوند؛ اگر ما به کلام در کتاب مقدس، که به عنوان چراغی در یک مکان تاریک می‌درخشد، توجه کنیم، طلوع او (خداوند) را در قلب خود به عنوان ستاره صبح قبل

از ظهور واقعی او، برای درخشش در جایی که امروز در تاریکی ارتداد هستیم، خواهیم داشت— مکاشفه ۲:۲۸؛ ۲۲:۱۶؛ دوم تیموتائوس ۴:۸.

2. «این را می‌گوید او که هفت روح خدا و هفت ستاره را دارد»— مکاشفه 1:3 :

(آ) هفت روح با هفت ستاره یکی هستند، و هفت ستاره با هفت روح یکی هستند.

(ب) هفت روح خدا کلیسا را قادر می‌سازد که شدیداً زنده باشد، و هفت ستاره، او (کلیسا) را قادر می‌سازد که به شدت درخشان باشد

(پ) روح هفت برابر شدت یافته زنده است و حروف مُرده دانش هرگز نمی‌توانند جایگزین آن شود— دوم قرنتیان ۳:۶.

(ت) هفت ستاره، فرشته‌های کلیساها هستند؛ آنها همان اشخاص روحانی در کلیساها هستند، کسانی که مسئولیت شهادت عیسی را بر عهده دارند؛ آنان باید از طبیعت آسمانی باشند و باید مانند ستاره‌ها در یک موقعیت آسمانی قرار بگیرند— مکاشفه 20:1.

II. اصل بازیابی خداوند با «دانیال و همراهانش» (حننیا، میشائیل و عزریا) مشاهده می‌شود، که در پیروزی بر نقشه‌های شیطان [املاً با خدا یلی بودند. دانیال ۲:۱۳، ۱۷؛ ر.ک. مکاشفه ۱۴:۱۷؛ متی ۱۴:۲۲ :

آ. نبوکدنصر در وسوسه شیطانی خود برای دانیال و همراهانش، نام آنها که نشان می‌داد آنها از خدا هستند را به نام‌هایی که آنها را با بت‌ها یکی می‌کرد، تغییر داد— دانیال 6:1-7 :

1. نام دانیال، به معنی «خدا قاضی من است» به بَلطَشْمَر تغییر یافت، به معنی «شاهزاده بیل»، یا «محبوب بیل» («بیل» نام خدای بابل بود)— اشعیا ۴۶:۱.

2. نام حَنَنیا، به معنی «یاه (یهوه) بخشیده است»، یا «مورد لطف یاه»، به شَدْرَک، به معنای «روشن شده توسط خدای خورشید»، تغییر داده شد.

3. نام میشائیل، به معنی «چه کسی آنچه خداست می‌باشد؟» را به میشک، یعنی «چه کسی می‌تواند مانند الهه شک باشد؟» تغییر داده شد.

4. نام عَزْرِیا، به معنی «یاه مدد کرده است»، به عیدِنِغُو، به معنی «خادم وفادار نغو، خدای آتش» تغییر داده شد.

ب. دانیال و همراهانش بر رژیم غذایی شیطانی پیروز شدند— دانیال 1:

1. وسوسه شیطانی نبوکدنصر ابتدا برای فریب دادن و گمراهی چهار جوان با استعداد، یعنی دانیال و سه همراهش بود، که از نسل برگزیدگان مغلوب خدا بودند، تا آنها با سهمی شدن در غذای نجس او که به بت‌ها ارائه می‌شد، نجس شوند.

2. برای دانیال و همراهانش از آن غذا خوردن، این می‌بود که ناپاکی و بت‌ها را به درون خود آورده، و بدین گونه با شیطان یکی شوند— ر.ک. اول قرن‌تیان ۱۰:۱۹-۲۱.
3. هنگامیکه دانیال و همراهانش از خوردن غذای ناپاک نبوکدنصر امتناع ورزیدند و به جای آن سبزیجات را انتخاب کردند (دانیال 8:1-16)، در اصل آنها درخت دانش نیک و بد را رد کردند (ر.ک. پیدایش 1:3-6) و درخت حیات را برگزیدند، که سبب شد آنها با خدا یکی شوند (ر.ک. ۲:۹، 16-17).
4. بازیابی خداوند، بازیابی خوردن عیسی برای بنای کلیسا است— آ.آ. ۹، 16-17؛ مکاشفه ۷:۲، ۱۷؛ ۳:۲۰.
5. ما می‌توانیم عیسی را با خوردن کلامش، بخوریم و توسط مراقب بودن برای تماس گرفتن و بودن با آنانی که از قلب خالص نام او را می‌خوانند— ارمیا 16:15؛ دوم تیموتائوس ۲:۲۲؛ اول قرن‌تیان ۱۵:۳۳؛ امثال ۱۳:۲۰.
- پ. دانیال و همراهانش بر کور شدن توسط شیطان پیروز شدند، کور شدنی که مانع مردم از دیدن تمثال (مجسمه) عظیم انسانی و آن سنگ خرد کننده به عنوان تاریخ الهی درون تاریخ بشری است— دانیال ۲:
1. مسیح جمعی به عنوان سنگ و کوه، داماد با عروس خود، مرد جمعی خدا با نفس خدا، نهایتاً ضد مسیح (دجال) و ارتش‌های او را با نفس و شمشیر دهان خود، له و نابود خواهد کرد— آ.آ. 34-35، 44-45؛ دوم تسالونیکیان ۲:۸؛ مکاشفه 11:19-21؛ پیدایش 4:11-9؛ ر.ک. اشعیا ۳۳:۲۲.
 2. مسیح عروس خود را به عنوان خلقت نو توسط رشد، دگرگونی و بلوغ، تولید می‌کند؛ بنابراین، نیاز ضروری و فوری به بلوغ وجود دارد— کولسیان ۲:۱۹؛ دوم قرن‌تیان ۳:۱۸؛ رومیان ۱۲:۲؛ عبرانیان ۶:۱۱.
 3. مسیح به عنوان سنگ زنده و گرانبها، سنگ زیر بنا، سنگ زاویه و سنگ سر بنای خدا، در ما به عنوان ارزشمندی برای دگرگون کردن و تبدیل ما به سنگهای زنده و گرانبها برای بنای خودش، نفوذ می‌کند— اول پطرس 2:4-8؛ اشعیا ۲۸:۱۶؛ زکریا ۳:۹؛ ۴:۷، 9-10.
- ت. دانیال و همراهانش بر فریبندگی بت پرستی پیروز شدند— دانیال ۳؛ ر.ک. متی 4:9-10:
1. هرآنچه که خدای واقعی در روح دوباره تولد یافته ما نیست، بتی است که جایگزین خدا می‌شود؛ هرآنچه که از روح یا در روح نباشد، بت است— اول یوحنا ۵:۲۱.
 2. دشمن بدن نفس است، که با علاقه به نفس خود (خودکام)، تمجید نفس (خودپسند)، تجلیل نفس (خودپرست)، زیبایی نفس (خودبین) و قدرت نفس (خودسر)، جایگزین خدا می‌شود؛

ما در بدن و برای بدن، نفس خود را انکار می‌کنیم و نه خود را، بلکه مسیح عیسی را به عنوان خداوند بشارت می‌دهیم — متی ۱۶:۲۴؛ دوم قرن‌تیان 5:4.

3. همراهان دانیال یک روح واقعی شهید شدن را داشتند؛ آنها برای خداوند به عنوان خدای بی‌نظیر ایستادند و به قیمت جان خود در برابر پرستش‌بها ایستادند و به فرمان نبوکدنصر در کوره آتش انداخته شدند — دانیال ۳:۱۹-۲۳.

4. هنگامیکه نبوکدنصر به کوره نگاه کرد، چهار مرد را دید که در میان آتش می‌خرامند (آ.آ. ۲۴-۲۵)؛ نفر چهارم مسیح عالی بود، که به عنوان پسر انسان آمده بود تا با سه پیروزمند خود باشد، که زیر رنج و جفا قرار گرفته بودند، و اینکه آتش را به مکانی دلپذیر برای قدم زدن (خرامیدن) تبدیل کند.

5. آن سه پیروزمند نیازی به درخواست خدا برای نجات آنها از کوره نداشتند (ر.ک. آ. ۱۷)؛ مسیح به عنوان پسر انسان کسی که واجد شرایط و توانایی همدردی با مردم خدا را در همه چیز دارد (عبرانیان 4:15-16) — آمد که همراه آنها باشد و از آنها در رنجشان مراقبت کند، و بوسیله حضور خود رنج آنها را به یک وضعیت خوشایند تبدیل کند.

ث. دانیال و همراهانش بر پوششی که مانع مردم از دیدن حاکم آسمان‌ها توسط خدای آسمان‌ها شده بود، غالب آمدند — دانیال 4:

1. به عنوان کسانی که توسط خدا برگزیده شده‌اند تا مردم او برای برتری و تقدم مسیح باشند، ما تحت حاکمیت آسمانی خدا در راستای هدف مقدم ساختن مسیح هستیم — آ.آ. ۱۸، 23-26، 30-32؛ رومیان 8:28-29؛ کولسیان ۱:۱۸؛ دوم قرن‌تیان ۱۰:۱۳، ۱۸؛ ارمیا 9:23-24.

2. «کسانی که با تکبر راه می‌روند، او قادر است که ایشان را پست نماید» — دانیال 4:۳۷.ب.

چ. دانیال و همراهانش بر جهالت در رابطه با نتیجه فسق و فجور در برابر خدا و اهانت به قدوسیت او، پیروز شدند — فصل ۵:

1. برداشتن ظروف توسط بلشصر که مخصوص پرستش خدا در معبد مقدس او در اورشلیم بود و استفاده از آنها در پرستش‌بها اهانت به قدوسیت خدا بود (آ.آ. ۴). او باید از تجربه نبوکدنصر درس می‌گرفت (4:18-37)؛ با این حال، او عبرت نگرفت و در نتیجه رنج کشید (۵:۱۸، ۲۰، 24-31).

2. «چونکه روح فاضل و معرفت و فطانت و تعبیرخوابها و حل معماها و گشودن عقده‌ها [واژه دقیق یعنی «گره‌ها»] در این دانیال... یافت شد» — آ.آ. ۱۱۲.

3. «و تو... ای بلشصر! اگرچه این همه را دانستی لکن دل خود را متواضع ننمودی. بلکه خویشتن را به ضد خداوند آسمانها بلند ساختی و ظروف خانه او را به حضور تو آوردند و تو و امرایت و زوجه‌ها و متعه‌هایت از آنها شراب نوشیدید و خدایان نقره و طلا و برنج و آهن و چوب و سنگ را که نمی‌بینند و نمی‌شنوند و (هیچ) نمی‌دانند تسبیح خواندی، اما آن خدایی را که روانت [تُفست یا جانت] در دست او و تمامی راه‌هایت از او می‌باشد، تمجید ننمودی» — آ. 22-23، ر.ک. آ. ۲۰.

ح. دانیال و همراهانش بر حيله نامحسوسی که مانع وفاداری پیروزمندان در پرستش خدا می‌شود، پیروز شدند — فصل ۶:

1. مرکز فصل ۶ دانیال، دعای انسان برای انجام اقتصاد خدا است؛ دعا‌های انسان مانند ریل‌هایی است که راه را برای حرکت خدا هموار می‌کند؛ راه دیگری برای آوردن اقتصاد خدا و تحقق آن وجود ندارد، مگر با دعا. این راز درونی این فصل است.

2. دانیال با پنجره‌های باز به سمت اورشلیم دعا کرد؛ خدا بوسیله دعای فیض بخش او، اسرائیل را به سرزمین پدرانشان بازگرداند — آ. ۱۰؛ ر.ک. اول پادشاهان ۱۲:۱۹، ۱۸.

3. «اما چون دانیال دانست که نوشته امضا شده است به خانه خود درآمد و پنجره‌های بالاخانه خود را به سمت اورشلیم باز نموده، هر روز سه مرتبه زانو می‌زد و دعا می‌نمود، و چنانکه قبل از آن عادت می‌داشت نزد خدای خویش دعا می‌کرد و تسبیح می‌خواند» — دانیال ۶:۱۰.

4. خدا هنگامی به دعای ما گوش خواهد داد که دعای ما به سمت مسیح (نشان داده شده توسط سرزمین مقدس)، به سمت پادشاهی خدا (نشان داده شده توسط شهر مقدس) و به سمت خانه خدا (نشان داده شده توسط معبد مقدس) به عنوان هدف در اقتصاد ابدی خدا باشد — اول پادشاهان 48:8-49.

نوح، دانیال، و ایوب. الگوهای زیستن حیاتی پیروزمند در خط حیات برای به انجام رساندن اقتصاد خدا

پیام چهارم

قصد خدا با ایوب

مطالعه متون مقدس: ایوب 6-1:42؛ دوم قرن‌تینان 3:8-9؛ 4:10-12، ۱۶-۱۸؛ 5:18-20

۱. قصد خدا با ایوب این بود که ایوب تبدیل به شخصی شود که در بینش آسمانی و واقعیت اقتصاد خدا زندگی کند:

آ. تجربه ایوب گامی بود که خدا در اقتصاد الهی خود برای اجرای تحلیل دادن و تهی سازی ایوبی که قانع بود برداشت، تا خدا ایوب را برای بازساخت او با خود خدا، فرو ریزد، بدین جهت که ایوب را به جستجوی عمیق تر خدا بیاورد تا این که ایوب به جای برکت‌های خدا و دستاوردهای خود در بی عیبی و کاملیت خودش، خدا را کسب کند— فیلیپیان 3:10-14؛ اول قرن‌تینان 2:9؛ 3:8؛ خروج 20:6؛ اول تواریخ 16:10-11؛ 22:19؛ دوم تواریخ 12:14؛ 26:3-5؛ 34:1-3؛ مزامیر 24:6؛ 27:4، ۸؛ 105:4؛ 119:2، ۱۰؛ عبرانیان 6:11.

ب. کسی که به خدا اهمیت نمی‌دهد ممکن است چیزهای زیادی را بدست آورد و به نظر کامیاب آید (مزامیر 1:73-15)؛ ولی آنکه به خدا اهمیت می‌دهد توسط خدا محدود شده و حتی از خیلی چیزها محروم می‌شود؛ قصد خدا با جویندگانش این است که آنها همه چیز را در او یافته و از لذت مطلق خدا منحرف نشوند (آآ. ۱۶-۲۸).

پ. مقصود خدا از رسیدگی به مردم مقدسش این است که آنها از همه چیز خالی شده و فقط خدا را به عنوان منفعت خود دریافت کنند (فیلیپیان ۳:۸؛ ر.ک. مزامیر 25:73-26)؛ خواست قلبی خدا این است که ما او را تمام و کمال به عنوان حیات، تأمین حیات و همه چیز وجودمان، بدست آوریم (رومیان 10:8، ۶، ۱۱؛ ر.ک. کولسیان 17:1ب، ۱۸).

ت. برای زندگی کردن در واقعیت اقتصاد خدا با توزیع الهی او، ما نیاز به خدا داریم که خود را در ساختار ذاتی ما بنا سازد تا کل وجودمان با مسیح بازساخت شود:

۱. همانطور که در رساله‌های پولس آشکار شده، مقصود خدا از رسیدگی به ما این است که ما را از همه چیز تهی کرده و تحلیل دهد تا بتوانیم خدا را بیشتر و بیشتر بدست آوریم— دوم قرن‌تینان 4:16-18.

۲. بنای کلیسا بدین گونه است که مسیح خانه خود را در دل‌های ما بسازد، یعنی با بنا ساختن خودش در درون ما، تا قلب ما که همان ترکیب ذاتی ماست را خانه خود سازد— افسسیان 3:16-21.

ث. در مسیح، خدا در انسان ساختار یافت، انسان در خدا ساختار یافت، و خدا و انسان در هم آمیختند تا یک موجودیت، همان خدا-انسان، باشند؛ این بدین معناست که قصد خدا در اقتصادش این بود که انسان شود تا انسان را در حیات و ذات اما نه در هستی خدا، خدا کند— دوم سموئیل 7:12-14آ؛ رومیان 3:1-4؛ متی 22:41-45؛ یوحنا 6:14آ؛ 10:10ب؛ اول قرنطیان 15:45ب؛ یوحنا 6:63؛ دوم قرنطیان 3:6؛ اول یوحنا 5:16آ.

II. اقتصاد خدا این است که خدا از طریق جسم پوشیدن، انسانی در جسم شود، تا انسان بتواند در روح از طریق دگرگونی برای بنا ساختن خدا درون انسان و انسان درون خدا، خدا شود تا یک خدا-انسان جمعی را بدست آورد:

آ. بهترین، عالی ترین، اسرارآمیزترین و شامل تمام ترین دگرگونی‌های خدای سه‌یکتای جاودان در انسان شدنش، حرکت خدا در انسان برای به انجام رساندن اقتصاد ابدی خدا است— میکاه 2:5؛ یوحنا 14:1، ۲۹؛ 3:14؛ 24:12؛ اعمال 13:33؛ اول پطرس 3:1؛ اول قرنطیان 15:45ب؛ اعمال 2:36؛ 5:31؛ عبرانیان 4:۱۴؛ 9:15؛ 7:22؛ 8:2 :

1. این دگرگونی‌ها همان مراحل هستند که خدای سه‌یکتا در خدا-انسان شدنش طی کرد، که الوهیت را به درون انسانیت آورده و الوهیت را با انسانیت درهم آمیخته، تا به عنوان نمونه اصلی برای تولید مجدد و تکثیر خدا-انسان-های بسیار شود؛ او تجسم خدای سه‌یکتا شد، خدا را به درون انسان آورد و خدا را قابل تماس، لمس، دریافت، تجربه، ورود، و مسرت کرد— یوحنا ۱:۱۴؛ کولسیان ۲:۹؛ رومیان 28:8-29.

2. خدا در هوش ۱۱:۴ از این دگرگونی‌ها می‌گوید: «ایشان را به ریسمان‌های انسانی و به بندهای محبت جذب نمودم»؛ عبارت «ریسمان‌های انسانی، بندهای محبت» نشان می‌دهد که خدا ما را با عشق الهی خود نه در سطح الوهیت بلکه در سطح انسانیت محبت می‌کند، عشق خدا الهی است، ولی در ریسمان‌های انسان، یعنی از طریق انسانیت مسیح به ما می‌رسد:

(آ) ریسمان‌ها (دگرگونی‌ها، فرآیندها یا پروسه‌ها) که خدا از طریق آنها ما را جذب می‌کند شامل جسم پوشیدن، زندگی انسانی، مصلوب شدن، رستاخیز و صعود مسیح است؛ با همه این مراحل، مسیح در انسانیتش است که عشق خدا را در نجاتش به ما می‌رساند— ارمیا 3:31؛ یوحنا 3:14، ۱۶؛ 44:6؛ 32:12؛ رومیان 5:5، ۸؛ اول یوحنا 4:8-10، ۱۶، ۱۹.

(ب) جدا از مسیح، عشق جاودانه خدا یعنی همان محبت تغییرناپذیر و مطیع کننده او، نمی‌تواند نسبت به ما

حاکم و غالب باشد؛ عشق تغییرناپذیر خدا بر ما غالب می‌شود، چون این عشق در مسیح، با مسیح، توسط مسیح و برای مسیح است.

(پ) عشق جاودانه‌ای خدا همیشه پیروزمند است؛ عاقبت، علی‌رغم شکست‌ها و اشتباهات ما، عشق خدا پیروز خواهد شد — رومیان 35:8-39.

ب. دگرگونی انسان سه بخشی در حرکت خدا، برای خدایی ساختن انسان، یعنی برای ساختار یافتن انسان با خدای سه‌یکتای پروسه دیده و کامل است؛ در ظاهر شدن خدا به ایوب، او خدا را دید تا خدا را کسب کرده، که توسط خدا و برای مقصود خدا دگرگون شود — ایوب 1:38-3؛ 1:42-6؛ دوم قرن‌تیان 18-16:3؛ عبرانیان 12:1-2 آ :

1. دیدن خدا منجر به دگرگون شدن کل وجود ما به صورت خدا می‌شود؛ پس ما هرچه بیشتر بر او به عنوان آن روح کامل در روحمان بنگریم، بیشتر عناصر الهی او را در وجودمان دریافت می‌کنیم تا از عنصر کهنگی تخلیه شویم و کل وجودمان نو گردد؛ زندگی مسیحی ما درباره‌ی تغییر ظاهری نیست بلکه دگرگون شدن از درون است — دوم قرن‌تیان 18:3؛ مزامیر 4:27؛ غلاطیان 15:6-16.

2. ما با بازگرداندن قلبمان بسوی خداوند می‌توانیم در پروسه روزانه دگرگونی بمانیم، تا بتوانیم با چهره‌ای بی‌نقاب بر او نگریسته و او را انعکاس دهیم؛ چهره‌ای بی‌نقاب قلبی است که به خدا بازمی‌گردد — دوم قرن‌تیان 16:3، 18.

(آ) بازگرداندن قلبمان بسوی خدا این است که عاشق خداوند باشیم؛ هرچه بیشتر عاشق خداوند باشیم قلبمان بیشتر به خداوند باز خواهد بود، و او راهی خواهد داشت تا از روحمان به تمام بخش‌های قلبمان گسترش یابد.

(ب) باز کردن و برگرداندن قلبمان بسوی خداوند کلید رشد ما در حیات است؛ ما می‌توانیم برای باز کردن قلبمان به خداوند، بسادگی به او بگوییم: «ای خداوند، عاشقتم، می‌خواهم تو را خشنود کنم.»

(پ) ما همانطور که روز به روز در هر شرایطی به خدا می‌نگریم (مزامیر 4:27)، جلال خداوند را بازتاب کرده و به شکل او، از جلال به جلال دگرگون می‌شویم.

(ت) خیلی از مسیحیان شاد نیستند چون روح مقدس در آنها شاد نیست (افسیان 30:4؛ ر.ک. مزامیر 11:16؛ 4:43؛ اعمال 19:3-20؛ خروج 11:33، 14-17؛ عبرانیان 9:1؛ ارمیا 16:15؛ یوحنا 9:15-11؛ اول یوحنا 3:1-4؛ دوم یوحنا 12؛ فیلیپیان 4:4)؛ اگر ما قلبمان را بسوی خدا نچرخانیم تا به روح خداوند اجازه دهیم که از روحمان

به قلب ما گسترش یابد، احساس درماندگی و افسردگی خواهیم کرد.

(ث) هر جا روح خداوند باشد، آنجا آزادی است (دوم قرن‌تیاں ۱۷:۳)؛ اگر کسی بگوید که جلسه کسل کننده است، باید دریابیم که این خود اوست که از درون کسل است؛ ولی وقتی قلبمان را بسوی خداوند بازمی‌گردانیم، از روح مقدس به عنوان آزادیمان لذت می‌بریم.

(ج) هنگامی که روح مقدس آزاد کننده راهی داشته باشد که به تمام بخش‌های قلبمان گسترش یابد، ما رها، والا و آزاد می‌شویم؛ این آزادی همان جلال است، که حضور خدا و ابراز خداست؛ ما بدین گونه حس عزتمندی، افتخار و شکوه‌مندی داریم چون درحال دگرگون شدن به صورت او هستیم — آ. ۱۸؛ پیدایش ۱:۲۶.

پ. دگرگونی، ما را از شکل انسان کهنه به شکل انسان نو انتقال می‌دهد؛ خداوند این کار دگرگونی را از طریق کشتن با مرگ مسیح به انجام می‌رساند — دوم قرن‌تیاں 12:4-10، ۱۶-۱۸:

1. دوم قرن‌تیاں ۴:۱۰ پولس می‌گوید که ما همواره کشتن عیسی یا مرگ او را در بدن خود حمل می‌کنیم؛ حمل کردن مرگ به معنای کشته شدن است؛ مرگ مسیح ما را می‌کشد — اول قرن‌تیاں 31:15، ۳۶؛ یوحنا 26-24:12؛ دوم قرن‌تیاں 9-8:1

2. مرگ مسیح در همان روح مرکب است؛ آن روح همان کاربرد مرگ مسیح و تأثیر آن است — خروج 25-22:30؛ رومیان 13:8.

3. زندگی مسیحی یک زندگی است که همیشه تحت کشته شدن توسط روح مرکب است؛ این کشته شدن روزمره توسط آن روح ساکن در درون، و با محیط بعنوان سلاح کشنده، اجرا می‌شود.

4. تحت ترتیبات الهی و حاکمیت مطلق خدا، همه چیز با هم برای خیریت ما در کار است، یعنی برای دگرگون شدن ما از طریق کشته شدن با مرگ مسیح؛ «خیریت» در رومیان ۸:۲۸ به افراد، امور یا چیزهای مادی (فیزیکی) مربوط نیست؛ تنها يك نفر نیکوست — خدا — لوقا ۱۸:۱۹:

(آ) همه اشخاص، همه امور، همه چیزهایی که به ما ربط دارند برای خیریت ما در اختیار روح القدس است تا بتوانیم متحمل بارها شویم (مزامیر 19:68 آ)، یعنی با خود خدای سه‌یکتا (ر.ک. پیدایش 5:45؛ 20:50).

(ب) همه اشخاص و همه شرایط مربوط به ما توسط روح خدا ترتیب داده شده تا مطابق با کار او درون ما باشد تا ما را دگرگون ساخته و همشکل پسر نخست زاده خدا کند — ر.ک. متی 29:10-31.

ت. هنگامی که ما تأدیب روح القدس را تجربه می‌کنیم دگرگونی در ما اجرا می‌شود — رومیان 2:8، ۲۸-۲۹؛ عبرانیان 5:12-

14.

1. کار روح در درون ما این است که وجودی نو و تازه از ما بسازد، ولی کار روح از بیرون این است که هر جنبه از وجود طبیعی ما را از طریق محیط اطرافمان فرو ریزد— ر.ک. ارمیا ۴۸:۱۱.

2. ما باید با آن روح عمل کننده در درونمان همکاری کرده و محیطی که خدا برای ما ترتیب داده است را بپذیریم— فیلیپیان ۱۲:۴؛ افسسیان ۱:۳؛ ۱:۴؛ ۲۰:۶؛ اول قرنتیان ۲۴:۷.

III. خدمتگزاری حاصل مکاشفه به علاوه رنج است. آنچه ما می بینیم (بینش ما) همان است که در درون ما از طریق رنج کشیدن حک می شود؛ بنابراین، آنچه خدمت می کنیم، همان چیزی است که ما هستیم:

آ. گرچه خدمتگزاران بسیارند، ولی آنها تنها یک خدمتگزاری دارند— همان خدمتگزاری عهد جدید برای به انجام رساندن اقتصاد عهد جدید خدا؛ کار ما به همراه مسیح این است که این خدمتگزاری منحصر به فرد، یعنی عرضه مسیح به مردم برای بنای بدن او را اجرا کنیم— اعمال ۱۷:۱؛ افسسیان ۱۲-۱۱:۴؛ اول تیموتائوس ۱۲:۱؛ دوم قرنتیان ۱:۴؛ ۱:۶:۱:۱.

ب. در کل، بدن (مسیح) تنها یک خدمتگزاری منحصر به فرد جمعی دارد، ولی چون این خدمتگزاری همان خدمت بدن مسیح است و چون بدن اعضای بسیار دارد، همه اعضا دارای خدمتگزاری خود برای آن یگانه خدمتگزاری هستند— اعمال ۲۴:۲۰؛ ۱۹:۲۱؛ دوم تیموتائوس ۵:۴؛ کولسیان ۱۷:۴.

پ. آن خدمتگزاری برای عرضه کردن و دادن مسیحی که ما تجربه کرده ایم، با او ساخته شده ایم، در ما تولید شده و شکل گرفته است و توسط تجارب غنای مسیح که از طریق رنج ها، فشارهای فرو برنده، و کشته شدن توسط صلیب کسب می شود— اعمال ۱۶-۱۵:۹؛ کولسیان ۲۴:۱؛ فیلیپیان ۱۰:۳؛ اول تیموتائوس ۶:۴؛ دوم قرنتیان ۶-۴:۱، ۸-۹، ۱۲؛ ۳:۳، ۶:

1. خدمتگزاری روح مقدس برای رسیدن ما به اوج قلّه مکاشفه الهی است، که از طریق دادن مسیح به عنوان روح است که حیات بخش است— آ. آ. ۸-۹، ۶، ۳؛ مکاشفه ۱۷:۲۲.

2. خدمتگزاری عدالت [صداقت یا درست بودن] برای این است که ما توسط عرضه مسیح، نه تنها به عنوان درستی بیرونی بلکه به عنوان درستی درونی و زیست-شده ما، برای ابراز واقعی مسیح، زندگی خدا-انسان را داشته باشیم— رومیان ۱۷:۵؛ فیلیپیان ۳:۹؛ مکاشفه ۸:۱۹.

3. خدمتگزاری مصالحه برای این است که ما توسط دادن مسیح به عنوان کلام مصالحه آمیز، مردم را برطبق خدا شبانی کنیم (در یگانگی با مسیح در خدمتگزاری شبانی آسمانی او)، تا بتوانیم مردم خدا را به درون روحشان که قدس الاقداس است آوریم تا آنها اشخاصی در روح باشند—

دوم قرن‌تیاں 5:18-20؛ یوحنا 21:15-17؛ اول پطرس 5:2-4؛
۲:۲۵؛ مکاشفه 1:12-13؛ عبرانیان ۱۰:۱۹، ۲۲؛ اول
قرن‌تیاں ۲:۱۵.

4. وقتی ما به طور کامل به چنین خدمتگزاری شگرف با سه
جنبه آن وارد شویم، خداوند راهی خواهد داشت که کلیساها
را به احیایی تازه بیاورد.

ت. مصیبت و سختی، ملاقات شیرین و تجسم فیض با کل غنای مسیح
است؛ فیض اکثراً در غالب سختی با ما ملاقات می‌کند— دوم
قرن‌تیاں 7:12-10.

1. طریق سختی‌ها، تاثیر کشنده صلیب مسیح بر وجود طبیعی
ما، توسط روح القدس بکار می‌رود، بدین گونه راه برای
خدای رستاخیز باز می‌شود تا خود را به درون ما
بیفزاید— 1:8-9؛ 4:16-18.

2. سختی‌ها بردباری به بار می‌آورد، که باعث بوجود آمدن یک
کیفیت تأیید شده و مقبول خدا می‌شود— یک کیفیت یا
خصوصیت تأیید شده که نتیجه بردباری و تجربه کردن سختی
و آزمون‌ها می‌باشد— رومیان 3:5-4.

ث. خدا خودش را به عنوان عشق با روح القدس در دل‌های ما
ریخته، که به عنوان قدرت انگیزش درون ما داده شده تا ما
در تمام سختی‌ها بیش از پیروز باشیم؛ بنابراین، وقتی ما
متحمل هر نوع سختی می‌شویم، سرافکننده نخواهیم شد، بلکه
مسیح را برای جلال او زندگی می‌کنیم— آ. ۵؛ 8:31-39؛ دوم
قرن‌تیاں 5:14-15؛ فیلیپیان 1:19-21 آ.